

بررسی چرایی عدم کارایی مجازات‌های سنگین ایران

در مبارزه با مواد مخدر

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۲

محمد عارفی مسکونی*

علی نجفی توانا**

باقر شاملو***

چکیده

یکی از موضوعات مهم در عرصه ملی و بین‌المللی از چند دهه اخیر و بخصوص در عصر حاضر، موضوع پدیده مواد مخدر و آثار زیان‌بار آن بر جوامع انسانی است، تمامی جوامع و بیشتر دولت‌ها بر این موضوع اتفاق نظر دارند که مواد مخدر و جرایم ناشی از آن، تهدیدی جدی برای نسل بشریت است. با این حال باید برای این پدیده شوم چاره‌ای اندیشید. راهکارهایی که در سال‌های اخیر اجرایی شده، مبتنی بر نوعی سختگیری کیفری در مجازات‌ها بوده است. بدین‌سان سیاست اصلی دیدگاه بازدارندگی، تهدید به مجازات کیفری یا اجرای آن برای کاهش انگیزه جرم است؛ یعنی استفاده از مجازات به عنوان بازدارنده‌ای که مانع تکرار جرم از سوی مجرم شده و نیز به شکل کلی انگیزه دیگران را برای ارتکاب همان جرم کاهش دهد. در حقوق کیفری مبارزه با مواد مخدر ایران نیز، همواره رویکردی سختگیرانه در قبال مجرمین مواد مخدر و با وضع مجازات‌های شدید سالب آزادی و سالب حیات اتخاذ شده است. با این حال طی سال‌های اخیر پرسشی اساسی در این خصوص مطرح است که آیا اعمال مجازات‌های شدید نظیر اعدام و حبس ابد و... بر بازدارندگی ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر تأثیر داشته است؟ در مقاله حاضر که به روش توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع و متون کتابخانه‌ای و با هدف تبیین و تشریح بازدارندگی مجازات‌های شدید در ارتباط با جرایم مواد مخدر به انجام رسیده و در این راستا ابعاد مختلف موضوع از جهت میدانی، آماری، سیاست جنایی و جامعه‌شناسی مورد مطالعه قرار گرفته است این نتیجه حاصل گردید که تشدید مجازات، نقش فوق‌العاده‌ای در پیشگیری از جرایم نداشته و شناخت علل

* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران
(نویسنده مسئول).
moh.arefimaskouni.law@iauctb.ac.ir

** استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
ali.najafi_tavana@iauctb.ac.ir

*** دانشیار گروه حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
b_shamloo@sbu.ac.ir

ارتکاب جرایم و اتخاذ رویکردهای پیشگیرانه و اصلاحی، ضروری‌تر و مؤثرتر از واکنش‌های کیفری محض است. در این مقاله، ضمن اشاره‌هایی گذرا در باب اهداف مجازات، بازدارندگی به عنوان یکی از مشهورترین و قدیمی‌ترین نظریه‌های توجیهی مجازات و اقسام آن، موضوع بازدارندگی مجازات‌های شدید از ابعاد مختلف مورد تحلیل قرار گرفته و در نهایت این نتیجه به دست آمد که اعمال این نوع مجازات‌ها اصولاً تأثیری در بازدارندگی ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر نداشته و بهتر است مقنن برای پیشگیری به روش‌های غیرکیفری توجه بیشتری داشته باشد.

واژگان کلیدی: مواد مخدر، مجازات‌های شدید، بازدارندگی، کیفرشناسی، اهداف مجازات.

مقدمه

اندیشه مقابله با جرم هم متضمن توجیه چرایی و ضرورت اصل این کار بوده و هم توجیه مجازات و کارکردهایش. در توجیه مجازات، نظریه «بازدارندگی مجازات» یکی از کهن‌ترین آنهاست. نظریه‌ای که از آغاز تاکنون، ارباب و عبرت‌انگیزی را به عنوان غایت اعمال مجازات معرفی کرده و با تمرکز بر این بعد از مجازات و ایجاد هراس و واهمه در اذهان عمومی، در پی مقابله با انگیزه و وسوسه‌های مجرمانه و در نهایت تقلیل نرخ واقعی جرایم و برقراری امنیت اجتماع بوده است (رضایی راد و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۹).

در این میان اهمیت پیشگیری از جرایم مرتبط با مواد مخدر و ضرورت اعمال سیاست‌های بازدارنده بر کسی پوشیده نیست. مواد مخدر عامل مهم بیماری اقتصادی و به خطر افتادن بهداشت و سلامت جوامع بشری است. قاچاق مواد مخدر و بلای خانمانسوز اعتیاد و مصرف انواع مخدر سنتی و صنعتی، میلیون‌ها انسان عصر فراصنعتی را در جهان به اسارت گرفته است. در کشور ما به لحاظ موقعیت خاص جغرافیایی و سیاسی در ارتباط با مواد مخدر و روان‌گردان‌ها و آثار زیان‌بخش آن، قانون‌گذار از چندین دهه پیش به وضع قوانین و مقررات در این زمینه پرداخته است. یکی از ابزارهای مقابله با این پدیده در قوانین ایران، اعمال مجازات‌های شدید از جمله مجازات اعدام و حبس‌های طولانی‌مدت با هدف بازدارندگی و پیشگیری کیفری در نظر گرفته شده است. شدیدترین پاسخ کیفری به جرایم مرتبط با مواد مخدر در ایران مجازات اعدام است.

مجازات اعدام با «قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک مصوب ۱۳۳۸» وارد حقوق مواد مخدر ایران شد و سپس در قوانین بعدی مربوط به مواد مخدر اجرا شده است. بعد از انقلاب تا کنون نیز در قوانین مربوط به مواد مخدر، این مجازات و سایر مجازات‌های شدید نظیر حبس ابد و حبس‌های طولانی مدت حفظ شده است. با وجود این، از زمان شروع نخستین بحث‌ها در مورد مجازات‌های شدید برای جرایم مواد مخدر و روان‌گردان‌ها، مخالفت‌ها و موافقت‌ها در این خصوص وجود داشت. عده‌ای با این استدلال که هر چه مجازات شدیدتر باشد، احتمال وقوع جرم پایین می‌آید، با مجازات اعدام موافق بودند. در مقابل، عده‌ای با این استدلال که این مجازات، توانایی بازدارندگی لازم را ندارد، با این امر مخالفت می‌کردند. با این وجود در ایران در قبال جرایم مواد مخدر، سیاست جنایی مبتنی بر دیدگاه بازدارندگی است و سیاست اصلی دیدگاه بازدارندگی، تهدید به مجازات کیفری یا اجرای آن برای کاهش انگیزه جرم است؛ یعنی استفاده از مجازات به عنوان بازدارنده‌ای که مانع تکرار جرم از سوی مجرم شده و نیز به شکل کلی انگیزه دیگران را برای ارتکاب همان جرم کاهش دهد (دادبان و آقای، ۱۳۸۸، ص. ۱۲۷).

به هر حال، همان‌طور که اشاره گردید، مجازات‌های شدید در مورد جرایم مذکور، وارد نظام حقوقی ما شد و گرچه در سطح جهانی در بین اندیشمندان حقوق کیفری، اجماعی در خصوص حذف این مجازات‌ها وجود دارد، اما مجازات‌های شدید از جمله اعدام (با وجود اصلاحات مهمی که در سال‌های اخیر اتفاق واقع شده است) در نظام حقوقی ایران، همچنان به قوت خود باقی است.

بنابراین در شرایط کنونی، به نظر می‌رسد بررسی این موضوع چه از لحاظ سیاست جنایی جرایم مواد مخدر و روان‌گردان و چه از لحاظ اصول حقوق جزا و چه از بعد فقهی ضرورت دارد تا بتوان به نتیجه‌ای علمی و روشن در این مورد رسید که آیا مجازات‌های شدید نظیر اعدام، حبس ابد و... در جرایم یاد شده می‌تواند نیازهای جامعه کنونی از یک سو و مقتضیات نظام حقوقی معاصر ایران را تأمین کند؟

۱. سیر تاریخی تقنینی مجازات‌های شدید در جرایم مرتبط با مواد مخدر

سیاست جنایی تقنینی ایران در زمینه تعیین کیفر اعدام برای جرایم مواد مخدر، تحولات

مختلفی را پشت سر گذاشته است. تا سال ۱۲۹۰ هجری شمسی، مواد مخدر تابع نظم حقوقی نبود و به عنوان کالای مجاز همانند هر کالای مجاز دیگر مورد خرید و فروش و مصرف قرار می‌گرفت. از سال ۱۲۸۹ دولت به فکر نظم بخشیدن به کشت و مصرف مواد مخدر افتاد. قوانین مصوب، در ابتدا فقط به نحوه کشت مواد مخدر و توزیع آن در میان مردم پرداختند و در واقع هدف این قوانین ایجاد زمینه‌ای جدید برای گرفتن مالیات از مردم بود. اما با گسترش اعتیاد به مواد مخدر در جامعه ایران در دهه ۱۹۶۰ و فشاری که از طرف جامعه داخلی و مراجع بین‌المللی به دولت وارد شد، دولت ایران را به اتخاذ سیاست جنایی شدیدتری در مقابل قاچاق مواد مخدر واداشت (رحمدل، ۱۳۸۵، صص. ۱۴۹-۱۶۵).

از نظر تاریخی سابقه اعمال مجازات‌های شدید و از جمله اعدام به طور مشخص، با «قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک مصوب ۱۳۳۸/۳/۳۱» وارد حقوق مواد مخدر ایران شد و سپس در قوانین بعدی مربوط به مواد مخدر از جمله «قانون تشدید» مرتکبین اصلی جرایم مندرج در قانون اصلاح قانون منع کشت خشخاش و اجازه موقوفی تعقیب و اجرای مجازات سایر مرتکبین جرایم مذکور مصوب ۳۱ خرداد ۱۳۴۸ ابقاء شده است و علی‌الظاهر از سال ۱۳۵۳ با شدت هر چه تمامتر تا انقلاب اسلامی، به وسیله دادگاه‌های نظامی اجرا شده است. بعد از انقلاب تا کنون نیز در قوانین مربوط به مواد مخدر این مجازات‌ها حفظ شده است (کاظمی، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۳).

پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی لازم بود از هر طریق ممکن با پدیده شوم اعتیاد و قاچاق مواد مخدر مبارزه شود؛ زیرا خرید و فروش و استعمال این مواد به خاطر زیان‌های جسمی، روانی، اقتصادی و امنیتی علاوه بر ممنوعیت قانونی از نظر شرعی هم حرام بود. به همین جهت با استقرار نظام حکومت اسلامی و قبل از تشکیل مجلس شورای اسلامی، شورای انقلاب اسلامی رسیدگی به جرایم مربوط به مواد مخدر و روان‌گردان‌ها را در صلاحیت دادگاه‌های فوق‌العاده رسیدگی به جرایم ضد انقلابی قرار داد تا در کوتاه‌ترین زمان به آنها رسیدگی شود.

در نوزدهم خردادماه سال ۱۳۵۹ شورای انقلاب اسلامی با تصویب «لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبین جرایم مواد مخدر و روان‌گردان‌ها و اقدامات تأمینی و درمانی به منظور مداوا و اشتغال به کار معتادین» شدیدترین مجازات‌ها را برای مرتکبان جرایم

مربوط به مواد مخدر و روان‌گردان‌ها مقرر نمود (ساک، ۱۳۸۶، ص. ۲۲).

با گذشت بیش از هشت سال از زمان اجرای لایحه قانونی مزبور، بنا به دلایلی از جمله ضرورت تأسیس ستاد هماهنگ‌کننده دستگاه‌های مبارزه‌کننده با عرضه و سوء مصرف مواد مخدر و سیاست‌گذاری مستمر در نحوه مبارزه «قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷/۸/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام» جایگزین آن گردید. در قانون مبارزه با مواد مخدر ضمن اینکه مهلت‌های جدیدی برای ترک اعتیاد معتادان در نظر گرفته شد، با حذف قید «ولگردی» از عنوان اعتیاد، عملاً کلیه معتادان قابل تعقیب شدند. به منظور سیاست‌گذاری و هماهنگ کردن فعالیت‌های تمام دست‌اندرکاران مبارزه با قاچاق، خرید و فروش و استعمال مواد مخدر، ستادی به ریاست رئیس جمهور تشکیل و کلیه عملیات اجرایی و سیاست‌گذاری درباره مواد مخدر در این ستاد متمرکز شد. البته در سال ۱۳۷۶ با هدف اصلاح قانون فوق، قانون مبارزه با مواد مخدر به تصویب رسید (آذریان قهفرخی، ۱۳۹۵، ص. ۳).

با توجه به فقدان یک استراتژی جامع و هدف‌دار جهت مقابله و رویارویی با مواد مخدر و روان‌گردان در سال ۱۳۸۰ بعد از درخواست نمایندگان مجلس از مقام معظم رهبری مبنی بر واگذاری اختیارات تدوین قانون مبارزه با مواد مخدر به مجلس شورای اسلامی، مسئولیت تدوین و سیاست‌گذاری کلی کشور در امر مبارزه با مواد مخدر به مجمع تشخیص مصلحت نظام واگذار گردید تا بعد از تصویب سیاست‌های کلی نظام در این رابطه درخواست نمایندگان محقق شود. در راستای اجرای منویات مقام معظم رهبری، ابلاغیه دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام مبنی بر تهیه و تدوین پیش‌نویس سیاست‌های کلی مقابله با مواد مخدر و انواع روان‌گردان صادر گردید و متعاقب آن با پیشنهاد کمیسیون مبارزه با مواد مخدر و قاچاق، دبیرخانه مجمع و تصویب اعضای محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام، کمیسیون خاص مواد مخدر با ترکیب ریاست قوه قضائیه در قالب رئیس کمیسیون و تلفیقی از اعضای کمیسیون‌های دیگر مجمع تشکیل شد. به موازات این اقدام، تدوین پیش‌نویس سیاست‌های کلی نظام در امر مبارزه با مواد مخدر و انواع روان‌گردان در کمیسیون مواد مخدر دبیرخانه مجمع آغاز و با تشکیل کمیته‌های تخصصی تمامی ابعاد و زوایای این معضل را در کلیه سطوح پیشگیری، مقابله

و درمان همچنین در روابط بین‌الملل در دستور کار خود قرار داد (آذریان قهفرخی، ۱۳۹۵، ص. ۳).

بعد از تصویب قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۸۹/۵/۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام و افزودن کلمه روان‌گردان به نص مواد قانون، تحول عظیمی در زمینه مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان‌ها رخ داد چرا که قبل از تصویب این قانون روان‌گردان‌ها شامل مجازات مواد مخدر نبود ولی با تصویب این قانون و افزودن کلمه روان‌گردان در کنار کلمه مواد مخدر در ماده‌های این قانون، مواد روان‌گردان نیز به جمع جرایم مواد مخدر افزوده شد.

آخرین تحولات در قانون مذکور در سال ۹۶ و با هدف کاهش مجازات‌های سالب حیات صورت پذیرفت و طی این اصلاحات ۴۵ و ۴۶ تغییراتی در شیوع صدور مجازات‌ها ایجاد کردند^۱ که در مجموع قدمی مثبت در زمینه رعایت حقوق شهروندی و کاهش مجازات‌های اعدام محسوب می‌شود.

در ادامه با توجه به اینکه بازدارندگی یکی از اهداف مجازات‌ها است، به موضوع اهداف مجازات، بازدارندگی و انواع آن خواهیم پرداخت تا از نظر مفهومی به چارچوب و پایه علمی مشخص در این راستا دست یابیم.

۲. اهداف مجازات

نوع نگاه به مجرمان و به دنبال آن اهداف مجازات، در طول تاریخ دست‌خوش تحولات زیادی بوده است، به نحوی که به تناسب ترسیم تصویری خاص از شخص مرتکب جرم، شاهد رقم خوردن اهدافی چند برای مجازات‌ها هستیم؛ اهدافی که در طیف گسترده «سزادهی و انتقام‌جویی»، «ارعاب و بازدارندگی»، «اصلاح و بازپروری»، «ناتوان‌سازی و حذف مجرمان» قرار دارند. نظریه‌هایی که در باب اهداف مجازات ارائه شده‌اند، در قالب دو دسته کلی قرار می‌گیرند: نظریه‌های وظیفه‌گرا یا تکلیف بنیاد (تئوری سزاگرایی) که کارکردی اخلاقی از مجازات را مورد نظر دارند و نظریه‌های فایده‌گرا که فایده‌مندی اجرای مجازات را مورد توجه قرار می‌دهند (بولک، ۱۳۷۲، صص. ۱۹-۲۰). در بررسی هدف فایده‌مندی مجازات می‌توان به طرح آن در سه حوزه پرداخت:

الف) عبرت‌آموزی و ارعاب‌انگیزی (بازدارندگی خاص و بازدارندگی عام)؛

ب) بازسازی اجتماعی مجرم و بازپروری او؛
ج) ناتوان‌سازی و حذف مجرمان (غلامی، ۱۳۸۷، ص. ۵۹؛ محمودی جانکی و آقای، ۱۳۸۷، ص. ۳۴۲).
لازم به توضیح است که در این مقاله، تنها به یکی از این اهداف که عبارت است از بازدارندگی، پرداخته می‌شود.

۲-۱. بازدارندگی

بازدارندگی یکی از نظریات حقوق کیفری و جرم‌شناسی است که در چارچوب کارکرد فایده‌مند کیفر، تکوین یافته و ریشه‌های آن را باید در اندیشه‌های بکاریا و بتام و در قرن ۱۸ میلادی جست‌وجو کرد (میرزایی مقدم، ۱۳۸۹، ص. ۱۷۵). مبانی نظریه بازدارندگی را باید در اصول اولیه مکتب کلاسیک حقوق جزا جست‌وجو کرد. معمولاً، نویسنده ایتالیایی، سزار بکاریا (۱۷۹۴-۱۷۳۸) را به عنوان بنیان‌گذار این مکتب می‌شناسند. این اصول از رساله جرایم و مجازات‌های او که برای اولین بار در سال ۱۷۶۴ به چاپ رسید، استخراج می‌شوند.

بازدارندگی در لغت برگرفته از مصدر «بازداشتن» و به معنای منع کردن و جلوگیری کردن است. در زبان انگلیسی، معادل واژه (Deterrence) است که به معنای بازداشت و منع و به ویژه منع از راه ارباب و تهدید تعریف شده است.

در توضیح اصطلاحی این واژه، گیس ضمن بیان این نکته که «تعریف هیچ‌یک از نتایج احتمالی مجازات بیش از تعریف بازدارندگی مشکل نیست»، این‌گونه به تعریف آن می‌پردازد: «این کافی است که بازدارندگی را تعریف کنیم به ترک یا کاهش ارتکاب عمل مجرمانه به وسیله یک فرد، به طور کلی یا جزئی؛ برای آنکه فرد درمی‌یابد ترک یا کاهش آن عمل (مجرمانه) خطر تحمل مجازات را که هر کسی در صورت ارتکاب جرم متحمل آن می‌شود کاهش می‌دهد» (غلامی، ۱۳۸۷، صص. ۹۷-۹۶). در تعریفی دیگر از بازدارندگی، پروفیسور ژان پل برودر، استاد جرم‌شناسی دانشگاه مونترال بیان می‌کند: «منظور از بازدارندگی قابلیت تولید نتایج پیشگیرانه از طریق اقدامات واکنشی است. با وجود این واقعیت که مداخله واکنشی پلیسی پس از ارتکاب جرم (یعنی زمانی که جامعه در پیشگیری شکست خورده است) صورت می‌گیرد» (محمدنسل، ۱۳۸۷، ص. ۱۱۴).

مقوله بازدارندگی مجازات که در بطن آن، کاهش آمار واقعی جرایم توسط ارباب‌انگیزی، پاسخی واضح به چرایی همیشگی مجازات است، از دیرباز در قالب‌های مختلفی عنوان شده، به نحوی که با مطالعه قوانین کهن، ارباب و عبرت‌انگیزی (بازدارندگی خاص و عام) را در ردیف اول اهداف مجازات خواهیم دید. ارباب‌انگیزی در کهن‌ترین دوران (از جمله در دوران ایران باستان) حاکم بوده است. اگرچه کارایی واقعی ارباب‌انگیزی جمعی توسط بسیاری از متخصصان به نام از جمله نورماندو و شوارتز مورد تردید واقع شده است، ولی امروزه نیز گهگاه تجلی می‌کند. هدف مزبور به ویژه در قالب اعمال تنبیه‌های وحشتناک و بی‌رحمانه، به منظور ترساندن بزهکاران احتمالی، جلوگیری از تکرار جرم توسط مجرمان و به وحشت انداختن اطرافیان آنان از طریق نمایش صحنه فجیع تنبیه، تحقق می‌یافت ولی تجربه نشان داد که این بی‌رحمی، اثر عملی بر تحول حجم و نرخ بزهکاری نداشته است. بکار، با اینکه طرفدار سرسخت سیاست ارباب بود، اما شکست شدت عمل‌های افراطی و خصیصه تفریب آنها را نشان داد و توجه را به امکان تحقق این سیاست از طریق اعمال کیفرهای معتدل، ولی از نظر اجرا سریع و حتمی معطوف داشت (بولک، ۱۳۷۲، ص. ۲۲).

بیشتر پژوهشگرانی که به بررسی شدت مجازات پرداخته‌اند، رابطه معناداری میان مفهوم شدت مجازات و ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم کشف نکرده‌اند. این به این معناست که شدت مجازات و به عبارتی جنبه اربابی شدید آن تأثیر بازدارنده ویژه‌ای در عدم ارتکاب جرم نمی‌تواند داشته باشد (غلامی، ۱۳۸۷، ص. ۹۸). بعد از تشریح مفهوم لغوی و اصطلاحی بازدارندگی، بررسی انواع آن ضرورت می‌یابد.

۲-۲. اقسام بازدارندگی

همان‌گونه که گفته شد، مراد از بازدارندگی، اتخاذ تدابیری است که از جرم انصراف ایجاد کند. از این دیدگاه، دو نوع بازدارندگی در حقوق جزا مطرح می‌شود: بازدارندگی عام و خاص که در جرم‌شناسی به آن پیشگیری کیفری عام و خاص می‌گویند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱، ص. ۶۳۹).

۲-۱. بازدارندگی خاص

بازدارندگی خاص به این معنی است که ترس ناشی از مجازات یا تحمل آن موجب می‌شود که بزهکار از ارتکاب جرم در آینده خودداری کند. این مفهوم از آن جهت به عنوان بازدارندگی خاص شناخته می‌شود که فرض بر این است تحمل مجازات در حال حاضر، موجب ترس از تحمیل آن به خاطر ارتکاب جرایم بعدی و در نتیجه انصراف از ارتکاب آنها در آینده خواهد شد (غلامی، ۱۳۸۷، صص. ۶۲-۶۳).

۲-۲. بازدارندگی عام

همان‌گونه که پیش از این بیان شد، مفهوم بازدارندگی متضمن این معنی است که تهدید ناشی از مجازات یا ترس از تحمل آن موجب پیشگیری از ورود فرد به عرصه فعالیت مجرمانه می‌شود. در مقابل مفهوم بازدارندگی خاص که به توضیح آن پرداخته شد، بازدارندگی عام بر این مبنا استوار است که اشخاص به طور غیرمستقیم و به واسطه تحمیل مجازات بر بزهکاران مورد تهدید قرار می‌گیرند. آنان با دیدن یا شنیدن حادثه تحمیل مجازات بر یک بزهکار، رفتار خود را بیش از پیش کنترل کرده، از ارتکاب جرم خودداری خواهند کرد. این مفهوم بر این فرض استوار است که عموم انسان‌ها «عاقل» بوده و با در نظر گرفتن هر گونه «خطر» احتمالی در اینجا احتمال تحمل مجازات از ارتکاب عمل مجرمانه خودداری خواهند کرد (غلامی، ۱۳۸۷، صص. ۶۶-۶۷).

بنابراین، در این رویکرد آن دسته از اشخاص جامعه که گرایش‌های بزهکارانه دارند نه از روی تمایل حقیقی و نه به دلیل عوامل درونی، بلکه به واسطه وجود عاملی بیرونی یعنی کیفر هراس‌انگیز از بزهکاری انصراف می‌دهند. زیرا ایده محوری این نظریه که مبتنی بر ارعاب می‌باشد، آن است که ترس از دستگیری و اعمال ضمانت اجرای کیفری، سبب رویگردانی مجرمان از اعمال مجرمانه می‌شود (محمودی جانکی و آقایی، ۱۳۸۷، ص. ۳۴۵).

پس از توضیحات یادشده، اکنون زمان آن رسیده که کارکرد بازدارندگی کیفر اعدام در جرایم مواد مخدر بررسی شود. به عبارت دیگر، در اینجا در مقام بررسی این مطلب هستیم که آیا کیفر اعدام در مورد جرایم یادشده، به عنوان مجازات مؤثر می‌تواند عمل کند و از ارتکاب این جرایم پیشگیری کند و یا حداقل موجب کاهش این جرایم شود؟

۳. بررسی میدانی و آماری تأثیر مجازات‌های شدید جرایم مخدر

همان‌طور که گفته شد، قانون‌گذار در طول سال‌های گذشته همواره با شدت مجازات خواسته است که به اهداف خود برسد (ساک، ۱۳۸۶، ص. ۱۸) و قصد داشته که با ایجاد رعب و وحشت در دل قاچاقچیان مواد مخدر، ریشه آن را در کشور بخشکاند؛ اما فراموش کرده است که جرم مواد مخدر، یکی از جرایم بین‌المللی و جهانی شده است و مهار آن تنها با اعمال مجازات‌های سنگین ممکن نیست. در پژوهشی که در رابطه با ارزیابی تأثیر کیفر اعدام در روند مبارزه با مواد مخدر در استان کرمان در طول سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶ صورت گرفت، نتایج جالب توجهی در رابطه با نظریه بازدارندگی به دست آمده است. این تحقیق که با عنوان «تأثیر اعدام در روند مبارزه با مواد مخدر در استان کرمان (۱۳۶۷-۱۳۷۶)» انجام گرفته است، به ارزیابی تأثیر این مجازات در «تنبیه و عبرت‌آموزی دیگران» و نقش آن در کاهش یا عدم کاهش گرایش به ارتکاب جرایم مواد مخدر پرداخته است (غلامی، ۱۳۸۷، صص. ۱۶۲-۱۶۳).

بر اساس یافته‌های این پژوهش، طی سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶ به طور دائم بر تعداد مجرمان افزوده شده است که حکایت از فقدان تأثیر بازدارندگی عام کیفر اعدام دارد. از جهتی دیگر نیز می‌توان به ارزیابی جنبه بازدارندگی عام این کیفر پرداخت و آن اینکه نه تنها بر تعداد مجرمان جرایم مواد مخدر به ترتیب پیشین افزوده شده است، بلکه بر میزان جرایم ارتكابی و حجم آن نیز افزوده شده است، به گونه‌ای که میزان مواد کشف شده از قاچاقچیان طی سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۶ به طور مرتب افزایش یافته است. بر این اساس، میزان مواد کشف شده به طور میانگین از هر یک از قاچاقچیان در سال ۱۳۷۶، ۱۸.۱۶ برابر است؛ یعنی از هر قاچاقچی سال ۱۳۷۶، هیچ‌ده برابر قاچاقچی سال ۱۳۵۹، مواد مخدر به دست آمده است (غلامی، ۱۳۸۷، ص. ۱۶۵). آمار نشان می‌دهد که تعیین و اجرای مجازات اعدام تأثیر بسزایی در کاهش جرایم مواد مخدر نداشته است (ساک، ۱۳۸۶، ص. ۱۸۶). قاچاقچیان مواد مخدر به اعدام به عنوان خطر شغل خود می‌نگرند که تنها اثر آن بالابردن نرخ فعالیت آن‌هاست (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۲، ص. ۵)، نه مجازاتی که آنها را از ارتکاب جرم باز دارد. با اجرای حکم اعدام، باندهای قاچاق از بین نمی‌روند بلکه فقط فرد مجرم حذف می‌شود و با حذف وی، فرد دیگری جایگزین او می‌شود. این نکته را نیز باید اضافه کرد که از مجموع بندهای ماده ۵ قانون مبارزه با مواد مخدر

مصوب ۱۳۸۹، استنباط می‌شود که مجازات اعدام در مورد جرایم خرید، حمل، نگهداری و اختفاء، هرگز نسبت به کسی که برای بار اول مرتکب جرم شده است اعمال نمی‌شود، حتی اگر میزان مواد مخدر به چند تن برسد.

این شیوه قانون‌گذاری، اشخاص قاچاقچی را وادار می‌کند که در همان مرحله اول، حداکثر مواد مخدر ممکن را قاچاق کنند و اگر تعداد این اشخاص که قصد می‌کنند فقط یک بار به این کار مبادرت کنند زیاد شود، خود به خود حجم مقدار مواد مخدر ورودی به کشور به نحو تصاعدی افزایش خواهد یافت (ساک، ۱۳۸۶، صص. ۸۱-۸۲). بدین‌سان، ماده قانونی یادشده به جای اینکه وسیله ارعاب قاچاقچیان مواد مخدر باشد، موجبات فرار از مجازات اعدام را فراهم کرده است. بنابراین در عمل نه تنها میزان جرایم مواد مخدر کم نشده است، بلکه سیر صعودی هم داشته است.

بنابراین عدم توفیق الگوی کیفری و کاستی‌های نظریه بازدارندگی مجازات‌ها که پیش از این به آن اشاره شد، در این مبحث مورد تأیید قرار می‌گیرد. بر اساس پژوهش‌های انجام شده، تشدید مجازات‌ها، باعث انصراف قاچاقچیان نمی‌شود و کشور به یک همبستگی و تلاش همه‌جانبه و منسجم برای مهار قاچاق مواد مخدر نیاز دارد (احمدی، ۱۳۸۴، ص. ۱۶۱).

۴. بررسی سیاست کیفری تقنینی

سیاست کیفری قانون‌گذار در قانون مبارزه با مواد مخدر همواره مبتنی بر سرکوب، شدت مجازات‌ها و عدم تناسب آنهاست به نحوی که در تعیین مجازات‌ها به میزان قبح اجتماعی عمل، کرامت انسانی، موازین حقوق بشری و اصل عدالت که از معیارهای تناسب تلقی می‌شوند توجه کافی ننموده است. وضع مجازات‌های اعدام و حبس‌های طولی‌المدت برای خیلی از این جرایم، حکایت از سیاست سرکوب و طرد مرتکبین آنها بدون توجه به تناسب و اهداف مجازات‌ها بالاخص اثر بازدارندگی آن می‌کند.

«ناتوان‌سازی یا سلب توان بزهکاری عمدتاً بر این استدلال مبتنی است که هدف ارعابی یا اصلاحی مجازات در مورد برخی مجرم‌ها کارگر نیست. در واقع هدف از سلب حقوق و توانایی فرد بزهکار، به عنوان یک اهرم کیفری تضمین این امر است که با خارج از دور کردن مجرم، دیگر مرتکب جرم نشود» (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۷۷، ص. ۱۸۵).

یکی از مصادیق بارز ناتوان‌سازی، مجازات اعدام می‌باشد بنابراین آیا می‌توان گفت غیر از مجازات اعدام، مجازات‌های دیگری در مورد مجرمی که برای بار اول مرتکب جرم شده است کارساز نمی‌باشد با وصف اینکه مجازات دیگر در مورد وی اعمال نگردیده تا مشخص شود که فایده‌مند بوده است یا نه. لذا گزینه مجازات اعدام در مورد چنین مجرمی به صورت جدی محل تأمل و تردید است. حداقل شاید اجرای قانون موسوم به سه ضربه در مورد تکرارکنندگان جرم قابل توجیه باشد ولی در مورد سایر مجرمین که برای بار اول و احتمالاً به صورت اتفاقی به ارتکاب جرم دست یازیده‌اند کاملاً ناعادلانه و نامتناسب جلوه می‌نماید. ضمن اینکه نظریه ناتوان‌سازی با دو انتقاد اساسی مبتنی بر عدم هماهنگی آن با فایده‌گرایی و مخالفت با موازین عدالت مواجه می‌باشد (یزدیان جعفری، ۱۳۹۱، ص. ۹۷). به قول «گسن» تشخیص حالت خطرناک، هم به لحاظ بالینی به استفاده از اقدامات الزام‌آور غیرموجه برای آزادی فردی منجر می‌شود و هم به لحاظ آماری با خطا توأم است (گسن، ۱۳۷۰، ص. ۵۷). بنابراین با وجود چنین انتقاداتی، باید در اعمال نظریه ناتوان‌سازی بالاخص توسل به اعدام، کاملاً محتاطانه عمل نمود.

نظریه تناسب جرایم و مجازات‌ها را منتسکیو در کتاب روح القوانین و سزار بکاریا در رساله جرایم و مجازات‌ها عنوان کرده‌اند به نحوی که در حال حاضر همه علمای حقوق جزا در خصوص این نظریه متفق‌القول هستند. «قانون‌گذار ایران در موارد متعدد بدون توجه به معیارهای اصلی تناسب و عمدتاً با در نظر گرفتن اهداف پیشگیری عمومی و خصوصی و مصلحت اجتماعی به جرم‌انگاری و وضع مجازات پرداخته است و بدین ترتیب از محدوده عدالت و استحقاق خارج شده است» (حبیب‌زاده و همکاران، ۱۳۸۷، ص. ۱۳۱). وفاداری مطلق به اصل تناسب و وضع معیارهای الزامی برای تعیین مجازات، ایجاد می‌کند که بر حسب درجه شدت و ضعف جرایم تنظیم شود تا از شکست و افول این راهبرد جلوگیری کند. عدالت خوب آن نیست که شدیداً مجازات کند بلکه آن است که به همه تبهکاران بپردازد و کارایی مجازات، بیشتر با ترسی که ایجاد می‌کند اندازه‌گیری می‌شود تا با شدت آن (پراول، ۱۳۸۷، صص. ۵۵ و ۷۱). ضمن اینکه سخت‌گیری و اعمال شدت در مجازات‌ها ممکن است شایستگی دولت را در توزیع عدالت زیر سؤال برد و در عمل موجب تشویق افراد به بزهکاری می‌شود (اکبری، ۱۳۹۳، ص. ۲۲). بنا به مراتب می‌توان گفت قانون‌گذار در قانون مبارزه با مواد مخدر با تعیین

مجازات‌های اعدام و حبس‌های طولانی مدت، اصل تناسب مجازات‌ها را زیر پا گذاشته است. برای مثال بین کسی که مقدار ناچیز از ماده هروئین ۳۱ گرم را بفروشد یا توزیع نماید و کسی که به عنوان سردسته باند در خرید و فروش صد کیلو از آن ماده مخدر دخالت نماید فرقی قائل نشده و مجازات هر دو را اعدام تعیین نموده است؟! (ماده قانون ۸ مبارزه با مواد مخدر و تبصره یک آن اصلاحی ۸۹) حتی در راستای اصل تفرید مجازات‌ها (اعمال تناسب) اختیار قضات را به شدت محدود نموده است.

سیاست کیفری ایران در برخورد با قاچاق مواد مخدر، عملاً بیشتر معطوف به برخورد با افراد حاشیه‌ای بوده است و افراد اصلی در معرض تعقیب نبوده‌اند. عدم دسترسی به افراد اصلی، به علت سازمان یافته بودن جرم قاچاق مواد مخدر است. عاملان اصلی برای قاچاق از دور برنامه‌ریزی می‌کنند و افراد ضعیف و آسیب‌پذیر را وارد میدان می‌کنند. بنابراین شرایط مبارزه با مواد مخدر عملاً به مبارزه با لایه‌های پایین سازمان قاچاق مواد مخدر محدود می‌شود (رحمدل، ۱۳۸۶، ص. ۸۲). با اینکه در اصلاحیه سال ۸۹ قانون مبارزه با مواد مخدر با الحاق مواد ۱۸ و ۳۵ به قانون مذکور از طریق اعمال مجازات شدیدتر (اعدام و حبس ابد) برای کسانی که این جرایم را از طریق اشخاص دیگری مرتکب می‌شوند یا فعالیت‌های مجرمانه را سازماندهی و پشتیبانی مالی می‌کنند تا حدی این خلأ تقنینی رفع شده است ولی مشکل دسترسی به عوامل اصلی یا سرکردگان این جرایم، تعقیب آنها از نظر قضائی و بالاخره عدم تعادل و تناسب مجازات‌ها بالاخص در مورد افراد خرده‌پا کماکان باقی است.

«قانون‌گذار بعد از انقلاب هر جا که به تصورش با مشکل تعیین مجازات اعدام مواجه بوده است به صبغه مذهبی متوسل شده و به عبارتی از قبیل مفسد فی الارض یا محارب تمسک جسته است... تعیین مجازات اعدام با توجه به اصل ۹ قانون اساسی با تردید اساسی مواجه است چون طبق اصل مزبور حتی به بهانه حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور نمی‌توان حقوق و آزادی‌های مشروع افراد را سلب نمود» (رحمدل، ۱۳۸۳، ص. ۷۰).

اگر این نظریه (بازدارندگی مجازات اعدام) کارایی داشت می‌بایست تحمیل مجازات‌های سنگین به مجرمان، مانع تکرار جرم می‌شد و کسانی که به مجازات‌های

خفیف‌تری محکوم می‌شوند نرخ تکرار جرم در میان آنها بیشتر می‌شد. تحقیقاتی که در انگلستان صورت گرفته است خلاف این ادعا را نشان می‌دهد (کاوادینو و دیگنان، ۱۳۸۴، ص. ۵۳). در باب مجازات‌های اسلامی نیز این یک اصل است که مجازات باید با جرم تناسب داشته باشد اما چون ملاک عقوبت‌های اسلامی متنوع است از نظر میزان مجازات، بر خلاف حدود، کمیت مجازات تعزیری به صلاح‌دید حاکم بایستی متناسب با جرم و حال بزه‌کار باشد (محقق داماد، ۱۳۷۹، صص. ۲۲۴ و ۲۰۸). البته قبل از آنکه مجازات را با شدت جرم یا شخصیت مجرم متناسب کنیم باید تطابق آن با کرامت انسانی تأیید شود. سودانگاری و نیز سزادهی از نوع افراطی آن به مجازات‌هایی می‌انجامد که با شأن و کرامت انسانی مغایر است (نوبهار، ۱۳۸۰، ص. ۳۲۶).

با قبول اصل تناسب نه تنها می‌توان به اجرای عدالت استحقاقی امیدوار بود بلکه به لحاظ فایده‌گرایی نیز فواید زیادی برای اجتماع خواهد داشت (یزدیان جعفری، ۱۳۹۱، ص. ۱۴۳). از جنبه عملی نیز مجازات شدیدتر از استحقاق، عواقبی نظیر افزایش گذشت ضابطان و قضات، بی‌تأثیری مجازات، تغییر شکل جرم، ارتکاب جرایم دیگر برای فرار از آن توسط مجرم و در برخی موارد ارزش یافتن جرم ارتكابی را به همراه خواهد داشت. یکی از توجی‌هات اساسی مجازات، عادلانه بودن آن است و این مهم جز از طریق برقراری تناسب مجازات با جرم که از شئون قانون‌گذار تلقی می‌شود میسر و ممکن نخواهد بود. معلوم نیست قانون‌گذار ایران چگونه و با چه توجی‌هی برای جرایم خرد مواد مخدر که توسط افراد پایین دست واقع می‌شوند مجازات سنگینی مثل اعدام یا حبس ابد وضع نموده است؟! بنابراین تردیدی باقی نمی‌ماند که قانون‌گذار ایران با وضع مجازات‌های شدید در مورد جرایم مواد مخدر به لحاظ عدم رعایت اصل تناسب، غیرعادلانه و فراتر از حد استحقاق عمل نموده است. یکی از مؤلفه‌های جرم‌انگاری، همسویی مجازات جرم با میزان قبح اجتماعی آن می‌باشد تا اینکه عادلانه بودن مجازات و تناسب آن با جرم توجیه گردد. چه بسا مجازات‌های ناهماهنگ با افکار عمومی، مورد اقبال مردم بالاخص قضات و دست‌اندرکاران امر خطیر مبارزه با مواد مخدر قرار نگیرد. اینجاست که اهداف مقنن در مبارزه با جرایم مواد مخدر با شکست مواجه می‌شود. افکار عمومی به هیچ وجه قبح اجتماعی جرایم قتل عمد یا تجاوز به عنف را در مقایسه با فروش ۳۱ گرم هروئین در داخل کشور که مجازات همگی اعدام است به یک میزان بر

نمی‌تابد. عدم رعایت تعادل و توازن در جرم‌انگاری مواد مخدر توسط قانون‌گذار بر مبنای تناسب مجازات با جرم، به روشنی نمایانگر انحراف قانون‌گذار از مسیر سیاست کیفری درست و ضابطه‌مند می‌باشد.

بی‌عدالتی ماهوی ممکن است در اثر جرم‌انگاری نابجا یا تعریف مغرضانه عمل مجرمانه و غیرمجرمانه به وجود آید. به عنوان نمونه، اگر مجازات استفاده کردن از کراک شدیدتر از مجازات استفاده مضر از کوکائین در شرایط یکسان باشد بی‌عدالتی ماهوی وجود خواهد داشت. می‌توان به کامل شدن عدالت ماهوی (اجتناب از تمام بی‌عدالتی‌ها) امید بست ولی کامل شدن عدالت شکلی (به لحاظ وجود اشتباهات قضائی اجتناب‌ناپذیر) امکان‌پذیر نخواهد بود (فلچر، ۱۳۸۴، ص. ۳۵۱). عدالت ماهوی در جرم‌انگاری و تعیین مجازات که از شئون قانون‌گذار تلقی می‌گردد بر مبنای رعایت تناسب مجازات‌ها با جرایم، تطابق جرایم با میزان قبح اجتماعی آن و بالاخره فایده‌مندی مجازات‌ها ترسیم می‌گردد با این وجود با توجه به مجازات‌های جرایم مواد مخدر و دادرسی محدودکننده آن، بی‌عدالتی ماهوی و شکلی کاملاً محسوس و مشهود است. شاید ایده سرکوب و تشدید مجازات‌ها در قانون مزبور ناشی از دیدگاه سنتی حاکمیت به مقوله مواد مخدر مبنی بر رعایت مصلحت و مبارزه با استعمار توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام مقرر گردیده است، ولی نباید از این مهم غافل شد که مقوله جرم و مجازات معطوف به عامل انسانی به نام بزهکار در کنار سایر بزهکاران و بزه‌دیدگان می‌باشد لذا در ترسیم سیاست کیفری مبارزه با جرایم مواد مخدر مثل سایر جرایم (جدا از دیدگاه سنتی)، باید اصول و قواعد حاکم بر جرم‌انگاری و تعیین مجازات‌های متناسب، عادلانه و فایده‌مند مورد توجه قرار گیرد. البته جای خرسندی است که مجمع تشخیص مصلحت نظام در ماده ۴۵ اصلاحیه سال ۸۹ قانون مبارزه با مواد مخدر، اختیار اصلاح آن را به مرجع عام قانون‌گذاری (مجلس شورای اسلامی) داده است و این مهم، نقطه عطفی است در راستای جرم‌انگاری اصولی مبتنی بر افکار عمومی که مجلس آن را نمایندگی می‌کند. علاوه بر این تغییر و اصلاحات انجام شده در برخی مواد پایانی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۹۶ (مواد ۴۵ و ۴۶) نیز به هر ترتیب اقدام مثبت در جهت مدیریت مناسب وضعیت مجازات‌های شدید قانون مورد بحث می‌تواند تلقی شود.

۵. بررسی موضوع از دیدگاه جامعه‌شناسی جنایی

رویکرد جامعه‌شناسانه با نگرستن به مجازات به عنوان یک پدیده اجتماعی که در طول حیات خود در تعامل با سایر نهادهای اجتماعی در نوسان است، می‌تواند ابعاد جدیدی را به روی ما بگشاید.

جامعه‌شناسی مجازات پژوهش پیرامون نیروهای اجتماعی مؤثر در شکل‌گیری نظام کیفری و البته تأثیری را که مجازات متقابلاً بر جامعه دارد، مدنظر قرار می‌دهد. نیروهای اجتماعی همچون مذهب، سیاست، فرهنگ و غیره در جهت‌دهی مجازات‌ها و نظام کیفری به صورت مؤثری عمل می‌کنند. از منظر جامعه‌شناختی، مجازات از یک سو می‌تواند راهی برای شناخت ارزش‌های یک جامعه باشد و از سوی دیگر خود نیز در ارزش‌سازی مشارکت می‌کند. با رویکرد جامعه‌شناختی تلاش می‌شود تا به عوامل اجتماعی تغییر و تحول مجازات نیز توجه شود. بر طبق برخی رویکردهای جامعه‌شناختی، تغییرات در مجازات، نشان‌دهنده تحولات اجتماعی است. در همین راستا، تاریخ مجازات اعدام حاکی از آن است که افزایش و کاهش میزان استفاده از این مجازات بی‌ارتباط با وضعیت اجتماعی و فرهنگی جامعه نیست. بر طبق رویکردهای جامعه‌شناختی، آنگاه که ارزش‌های اجتماعی در طول زمان به واسطه تغییراتی که ناشی از پیشرفت علم، تحول عادات و رسوم، حوادث سیاسی همچون انقلاب و جنگ و... تغییر پیدا می‌کنند، میزان و چگونگی اجرای مجازات نیز متحول می‌شود (جوان جعفری بجنوردی؛ اسفندیاری بهرآسمان، ۱۳۹۷، ص. ۱۵۲).

تاریخ مجازات اعدام برای بزهکاران مواد مخدر در کشورمان بیانگر این مطلب است که میزان و روش اجرای این مجازات در سال‌های پس از انقلاب و در دوران جنگ تحمیلی، نوعی واکنش احساسی ناشی از خشم جامعه و نشئت‌گرفته از فضای ملتهب سیاسی و اجتماعی بود. در آن زمان، قاچاقچی مواد مخدر در کنار وابستگان رژیم سابق، همچون «دیگری و غیرخودی» نگرسته و واکنشی سرکوبگرانه را همانند سایر «غیرخودی‌ها» متحمل می‌شد. انحراف‌ها و نیز جرایمی همچون اختلاس در اوایل انقلاب به شدت به عنوان یک ارزش منفی نگرسته می‌شدند. به همین علت مردم از مسئولان، نیروی انتظامی و قوه قضائیه انتظار برخورد شدید را داشتند. در واقع، به دلیل توقع مردم (فشار هنجاری، مجازات‌های غیررسمی)، مسئولان انتظامی و قضائی نیز در خود احساس

فشار و وظیفه می‌کردند که باید با چنین معضلاتی برخورد جدی کنند (رفیع‌پور، ۱۳۹۲، ص. ۲۸۷). بنابراین، برای اعمال مجازات اعدام نسبت به قاچاقچیان مواد مخدر، نه تنها مقاومت اجتماعی صورت نمی‌گرفت، بلکه اجرای مجازات در ملاء عام که حاکی از نوعی همراهی اجتماع با نظام عدالت کیفری بود، نیز با استقبال مواجه می‌شد.

بر طبق تئوری «مجازات و انسجام اجتماعی» جرایم به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: جرایم علیه جمع و جرایم علیه شخص. این دو نوع جرایم با هم متفاوتند، زیرا احساسات و خشمی را که برمی‌انگیزند، برابر نیست. در نتیجه واکنش‌های متفاوتی را می‌طلبند. در جوامعی که ارزش‌ها خصیصه جمعی دارند، واکنش‌ها شدیدتر است؛ زیرا ارزش‌هایی که توسط بزهکار نقض شده‌اند، دارای منزلت بیشتری بوده و بدین‌سان خشم و احساسات اجتماع را برای تقابل با آن شعله‌ور می‌سازد. در واقع، فاصله میان مجرم و ارزشی که نقض شده آنچنان زیاد است که باعث می‌شود هیچ‌گونه هم‌زادپنداری نسبت به مجرم احساس نشود (دورکیم، ۱۳۹۲، ص. ۱۱۲۰). به همین دلیل بود که در سال‌های اوایل انقلاب و جنگ تحمیلی مجازات‌هایی همچون اعدام برای مجرمان مواد مخدر در نظر گرفته شد، زیرا چنین جرایمی علیه یک ملت و انقلاب تازه تأسیس و همچنین به نوعی بی‌احترامی به شهدای انقلاب و جنگ تحمیلی بود. بنابراین، جامعه هرگز نمی‌توانست با آنان مدارا کند. اما همزمان با تحولات اجتماعی، تغییر ارزش‌ها، فاصله گرفتن از فضای ملتهب انقلابی و دوران جنگ تحمیلی، جرایم مرتبط با مواد مخدر دیگر علیه یک نظام تازه تأسیس تلقی نمی‌شدند.

اما در گذر زمان و با تغییرات اجتماعی و فرهنگی، دور شدن از فضای انقلاب و جنگ تحمیلی، پیشرفت دولت، پیشرفت فرهنگی و فکری، تقویت پژوهش‌های علمی و در مجموع با تحول ارزش‌های اجتماعی و آرام شدن احساسات اجتماعی، چنین مجازاتی نه تنها از سوی نخبگان بلکه از سوی کارگزاران کیفری و همچنین جامعه مورد تردید قرار گرفت؛ تا آنجا که اعدام از ملاء عام رخت برپست و دور از چشمان جامعه، به پشت دیوارهای زندان منتقل شد. این امر از لحاظ جامعه‌شناختی بسیار مهم و معنادار است. در واقع، نماد عدم همراهی جامعه با مجازات اعدام برای بزهکاران مواد مخدر، همین انتقال مجازات از مکان عمومی به یک محیط بسته است. البته نباید از تأثیر احساسات جامعه امروزی که یک معیار جامعه‌شناسانه در پذیرش یا رد مجازات‌ها است، نیز غافل شد.

نتیجه‌گیری

افزایش جرایم یکی از مشکلات مهم در جامعه به شمار می‌رود. با وجود اقدامات مفیدی که در جهت مبارزه با جرایم مواد مخدر و روان‌گردان‌ها صورت گرفته و با توجه به تشدید قوانین و مجازات‌های مختلفی که برای این جرایم در نظر گرفته شده است، هنوز هم ریشه این معضلات باقی است. با اجرای قوانین تشدید مجازات قاچاقچیان مواد مخدر صنعتی انتظار می‌رفت که بتوان تا حدودی ریشه این انحراف را خشکاند.

بررسی‌های انجام شده در این نوشتار گویای این است که سیاست کیفری قانون‌گذار در قانون مبارزه با مواد مخدر همواره مبتنی بر سرکوب، شدت مجازات و عدم تناسب آنهاست به نحوی که در تعیین مجازات‌ها به میزان قبح اجتماعی عمل، شخصیت مرتکب، کرامت انسانی، نوع جرم و موازین حقوق بشری که از معیارهای تعیین مجازات متناسب می‌باشد توجه کافی نگردیده است و باید گفت سیاست کیفری مبتنی بر استفاده بیشتر از مجازات‌های اعدام و حبس‌های طولی‌المدت علاوه بر نداشتن اثر بازدارندگی مطلوب، ناعادلانه و بر خلاف کرامت انسانی است چرا که عدم تمایل قضات به صدور چنین احکام و سعی در توسل به مفرّهای قانونی و حتی در مواردی غیرقانونی و همچنین نقض یا عدم اجرای اکثریت آنها به جهات مختلف، دلیل روشنی است بر این مدعی که مجازات‌های شدید و سرکوب‌کننده مورد اقبال سیاست جنایی قضائی نبوده و نیست لذا سیاست کیفری مقنن مبتنی بر سرکوب و شدت مجازات به لحاظ خروج از اعتدال و تناسب در عمل خستی گردیده یا موفقیت‌های مورد انتظار را به دنبال نداشته است.

هیچ‌کس منکر توسل به مجازات به عنوان آخرین حربه نیست و نیز هیچ‌کس منکر این امر نیست که در جامعه همیشه افرادی بوده‌اند که خطر اجتماعی بیش از حد داشته‌اند و به اصطلاح شرور بوده‌اند. اگر مقنن زمینه‌های ارتکاب جرایم به طور کلی و جرایم مواد مخدر به طور اخص را ببرد و یا حداقل بکاهد با این وجود افرادی بر خلاف جهت خاص عقلانی مقنن حرکت کنند آن وقت اعمال مجازات توجیه خود را پیدا می‌کند. در این تحقیق سعی شد با توجه به بیان مطالب فوق‌الذکر به این نتیجه پی بریم که نه تنها مجازات‌های شدید در بازدارندگی و پیشگیری از جرایم مرتبط با مواد مخدر کمکی نکرده بلکه زمینه‌ساز سایر جرایم نیز می‌باشد. لذا شایسته است حکم اعدام و حبس ابد و... به مجازات‌های جایگزینی متناسب تبدیل گردد و برای جلوگیری از ایجاد مشکل در

خانواده قاچاقچیان از جمله مشکلات (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و...) از طریق سازمان‌های ذیربط مثل سازمان بهزیستی وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی مورد حمایت قرار گرفته و برنامه‌ریزی‌هایی نیز در راستای پرداخت اجرت کار اجباری به خانواده آنان انجام گردد. همچنین به طور مکرر سرنوشت سرپرست خانواده (فرد قاچاقچی) به اعضای خانواده توسط سازمان‌های حمایتی گوشزد گردد. ضمناً رویکرد پیشگیرانه صرفاً منحصر به پیشگیری‌های کیفری نباشد.

یادداشت‌ها

۱. ماده ۴۵ (الحاقی مصوب ۱۳۹۶/۷/۱۲) - مرتکبان جرایمی که در این قانون دارای مجازات اعدام یا حبس ابد هستند در صورت احراز یکی از شرایط ذیل در حکم مفسد فی الارض می‌باشند و به مجازات اعدام و ضبط اموال ناشی از مواد مخدر یا روان‌گردان محکوم و در غیر این صورت حسب مورد «مشمولین به اعدام» به حبس درجه یک تا سی سال و جزای نقدی درجه یک تا دو برابر حداقل آن و «مشمولین به حبس ابد» به حبس و جزای نقدی درجه دو و در هر دو مورد به ضبط اموال ناشی از جرایم مواد مخدر و روان‌گردان محکوم می‌شوند:

الف) مواردی که مباشر جرم و یا حداقل یکی از شرکا حین ارتکاب جرم سلاح کشیده یا به قصد مقابله با مأموران، سلاح گرم و یا شکاری به همراه داشته باشند.

منظور از سلاح در این بند، سلاح سرد و سلاح و مهمات موضوع قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۰/۶/۷ می‌باشد.

ب) در صورتی که مرتکب نقش سردستگی (موضوع ماده (۱۳۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱) یا پشتیبان مالی و یا سرمایه‌گذار را داشته یا از اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال یا مجانبین برای ارتکاب جرم استفاده کرده باشد.

پ) مواردی که مرتکب به علت ارتکاب جرایم موضوع این قانون، سابقه محکومیت قطعی اعدام یا حبس ابد یا حبس بیش از پانزده سال داشته باشد.

ت) کلیه جرایم موضوع ماده (۴) این قانون مشروط بر اینکه بیش از پنجاه کیلوگرم باشد و مواد موضوع ماده (۸) این قانون مشروط بر اینکه بیش از دو کیلوگرم باشد و در خصوص سایر جرایم موضوع ماده (۸) در صورتی که بیش از سه کیلوگرم باشد. اجرای این بند نسبت

به مرتکبان، متهمان و مجرمان قبل از لازم‌الاجراء شدن این ماده منوط به داشتن یکی از شرایط بندهای (الف)، (ب) یا (پ) نیز می‌باشد.

تبصره - در مورد جرایم موضوع این قانون که مجازات حبس بیش از پنج سال دارد در صورتی که حکم به حداقل مجازات قانونی صادر شود، جز در مورد مصادیق تبصره ماده (۳۸)، مرتکب از تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط و سایر نهادهای ارفاقی به استثنای عفو مقام معظم رهبری مذکور در بند (۱۱) اصل یکصد و دهم (۱۱۰) قانون اساسی بهره‌مند نخواهد شد و در صورتی که حکم به مجازات بیش از حداقل مجازات قانونی صادر شود دادگاه می‌تواند بخشی از مجازات حبس را پس از گذراندن حداقل مجازات قانونی به مدت پنج تا ده سال تعلیق کند.

۲. پیشرفت فرهنگی به این معناست که انسان‌ها تا چه اندازه توانسته‌اند در برابر مشکلات، راهکارهای مناسب را به کار گیرند. پیشرفت فکری نیز به همان سان است؛ یعنی هر چه یک جامعه و اعضایش قدرت تفکر و علم بیشتری داشته باشند، بهتر می‌توانند به اهدافشان دست یابند (رفیع‌پور، ۱۳۸۷، ص. ۳۰۷).

کتابنامه

۱. آذریان قهفرخی، مرتضی (۱۳۹۵). مجازات اعدام و بازدارندگی آن از قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان. کنفرانس ملی فقه، حقوق و روان‌شناسی.
۲. احمدی، حبیب (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی انحرافات. تهران: سازمان سمت.
۳. اکبری، عباسعلی (۱۳۹۳). «بررسی و نقد سیاست جنایی حاکم بر جرایم مواد مخدر در ایران با تأکید بر اصلاحیه سال ۱۳۸۹ قانون مبارزه با مواد مخدر». پژوهشنامه حقوق کیفری، سال پنجم، (۲).
۴. بولک، برنار (۱۳۷۲). کیفرشناسی. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۵. پراول، ژان (۱۳۷۳). تاریخ اندیشه‌های کیفری. ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۶. جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا و اسفندیاری بهرآسمان، محمدصالح (۱۳۹۷). «نگرشی جامعه‌شناسانه بر تحولات مجازات اعدام مجرمان مواد مخدر». پژوهش حقوق کیفری، سال هفتم، (۲۵).
۷. حبیب‌زاده محمدجعفر و رحیمی‌نژاد، اسماعیل (۱۳۸۷). «مجازات‌های نامتناسب: مجازات‌های

۸. مغایر با کرامت انسانی». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۳۸(۲).
۹. دادبان، حسن و آقایی، سارا (۱۳۸۸). «بازدارندگی و نقش آن در پیشگیری از جرم». فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۳۹(۳).
۱۰. دورکیم، امیل (۱۳۹۲). دو قانون تکامل کیفری. ترجمه حسین غلامی و سید بهمن خدادای، در دایرةالمعارف علوم جنایی، (مجموعه مقالات)، کتاب دوم، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: نشر میزان.
۱۱. رحمدل، منصور (۱۳۸۳). حقوق کیفری مواد مخدر. تهران: نشر میثاق عدالت.
۱۲. رحمدل، منصور (۱۳۸۵). «تحولات سیاست جنایی تقنینی و قضائی ایران در زمینه مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر». جامعه‌شناسی ایران، سال هفتم، (۱).
۱۳. رحمدل، منصور (۱۳۸۶). سیاست جنایی ایران در قبال جرایم مواد مخدر. تهران: انتشارات سمت.
۱۴. رضایی راد، عبدالحسین؛ مریدی، ولی و سلیمانی، بتول (۱۳۹۴). «کارکرد بازدارندگی مجازات اعدام». مطالعات پیشگیری از جرم، سال دهم، (۳۴).
۱۵. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۹۲). توسعه و تضاد، کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران. تهران: نشر شرکت سهامی انتشار.
۱۶. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۷). آنتانومی جامعه، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی. تهران: نشر شرکت سهامی انتشار.
۱۷. ساکی، محمدرضا (۱۳۸۶). جرایم مواد مخدر از دیدگاه حقوق داخلی و بین‌الملل. تهران: نشر خط سوم.
۱۸. غلامی، حسین (۱۳۸۷). تکرار جرم. تهران: نشر میزان.
۱۹. فلچر، جرج پی (۱۳۸۴). مفاهیم بنیادین حقوق کیفری. ترجمه: سیدمهدی سیدزاده ثانی، تهران: آستان قدس رضوی.
۲۰. کاظمی، مسعود (۱۳۹۳). «تأثیر مجازات اعدام بر بازدارندگی از جرایم مواد مخدر و روان‌گردان». فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد، ۱(۴).
۲۱. کاوادینو، ام و دیگلن، جی (۱۳۸۴). «توجیه یا دلیل‌آوری مجازات». ترجمه: علی صفاری، مجله تحقیقات حقوقی، ۴۲(۲).
۲۲. گسن، ریمون (۱۳۷۰). جرم‌شناسی کاربردی. ترجمه: مهدی کی‌نیا، تهران: مترجم.
۲۳. محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۷۹). قواعد فقه. تهران: مرکز نشر علوم انسانی.

۲۳. محمدنسل، غلامرضا (۱۳۸۷). مجموعه مقالات پیشگیری از جرم. تهران: مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
۲۴. محمودی جانکی، فیروز و آقای، سارا (۱۳۸۷). «بررسی نظریه بازدارندگی مجازات». فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۳۸(۲).
۲۵. میرزایی مقدم، مرتضی (۱۳۸۹). «ارزیابی تأثیر شدت و قطعیت کیفرها در پیشگیری از جرم». فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، (۱۶).
۲۶. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۲). «کنکاشی در تأثیر اربابی مجازات اعدام». مجله دادرسی (ماهنامه حقوقی، فرهنگی و اجتماعی سازمان قضائی نیروهای مسلح)، ص ۵.
۲۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ هاشم بیگی، حمید (۱۳۷۷). دانشنامه جرم‌شناسی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۲۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۱). مباحثی در علوم جنایی (تقریرات). به کوشش شهرام ابراهیمی، ویراست هفتم، بی‌جا: بی‌نا
۲۹. نوبهار، رحیم (۱۳۸۰). به سوی مجازات‌های هر چه انسانی‌تر. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی حقوق بشر و گفتگوی تمدن‌ها، تهران: دانشگاه مفید.
۳۰. یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۹۱). چرایی و چگونگی مجازات. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.